


GES	Journal of Geography and Environmental Studies, 11 (43), Autumn 2022 https://ges.iaun.ac.ir ISSN: 2008-7845  20.1001.1.20087845.1401.11.43.3.4
-----	---

Research Article

A Comparative Study of the Spatial Pattern of Political Participation Citizens of Kashan, Aran and Bidgol

Mohammadzadeh Ravandi, Mahdi

Department of Geography, Faculty of Humanities, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad,
Iran

Mahkouii, Hojat (Corresponding Author)

Department of Geography, Faculty of Humanities, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad,
Iran
hojat_59_m@yahoo.com

Niazi, Mohsen

Department of Sociology, Faculty of Humanities, Kashan University, Kashan, Iran

Saberi, Hamid

Department of Geography, Faculty of Humanities, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad,
Iran

Abstract

In recent decades, citizens' political participation has been considered by thinkers as a key component of socio-political development. Citizen participation brings legitimacy to the political system. Political participation is deeply and inextricably linked to the most important issues in political science and sociology, such as parties, pressure groups, the relationship between people and government, civil society, demographic characteristics, and the like. In this regard, elections are the most important tool for achieving political participation and the emergence of democracy. The main purpose of this article is a comparative study of the spatial pattern of political participation between Kashan, Aran and Bidgol. This study is a survey and a questionnaire technique has been used to collect research data. The statistical population of the study is citizens over 21 years of age in Kashan, Aran and Bidgol in 1399. 870 questionnaires were distributed and out of this number, 834 questionnaires were selected and studied as a research sample. The validity of the research variables has been confirmed using Cronbach's alpha coefficient. The findings of the study, while confirming the differences in personality traits, level of trust in the political system, social capital and political awareness and political sociability among the citizens of the two cities, show that the political participation of Aran and Bidgol citizens is higher than Kashan.

Keywords: Political participation, political behavior, elections, spatial pattern of participation, Kashan, Aran and Bidgol

Citation: Mohammadzadeh Ravandi, M; Mahkouii, H.; Niazi, M.; Saberi, H. (2022) A Comparative Study of the Spatial Pattern of Political Participation Citizens of Kashan, Aran and Bidgol, Journal of Geography and Environmental Studies, 11 (43), 42-57. Dor: 20.1001.1.20087845.1401.11.43.3.4

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Journal of Geography and Environmental Studies. This is an open – access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



مقاله پژوهشی

مطالعه تطبیقی الگوی فضایی مشارکت سیاسی شهروندان کاشان و آران و بیدگل

مهدی محمدزاده راوندی

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، گروه جغرافیا، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

حجت مهکویی*

گروه جغرافیای سیاسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

محسن نیازی

گروه جامعه شناسی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

حمید صابری

گروه جغرافیا، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

چکیده

در دهه‌های اخیر، مشارکت سیاسی شهروندان به عنوان مولفه‌ی کلیدی توسعه اجتماعی سیاسی مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است. مشارکت شهروندان مشروعیت نظام سیاسی را به همراه دارد. مشارکت سیاسی با مهمترین مباحث مربوط به علم سیاست و جامعه‌شناسی، نظیر احزاب، گروه‌های فشار، رابطه مردم و حکومت، جامعه مدنی، ویژگی‌های جمعیت شناختی و نظایر آن پیوند عمیق و ناگسستنی دارد. در این ارتباط، انتخابات مهم‌ترین ابزار تحقق مشارکت سیاسی و بروز و ظهور مردم سالاری می‌باشد. هدف اساسی این مقاله مطالعه تطبیقی الگوی فضایی مشارکت سیاسی بین شهرستان‌های کاشان و آران و بیدگل می‌باشد. این مطالعه از نوع پیمایشی بوده و برای جمع‌آوری داده‌های تحقیق از تکنیک پرسشنامه استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق شهروندان بالای ۲۱ سال شهرستان‌های کاشان و آران و بیدگل در سال ۱۳۹۹ می‌باشد. تعداد ۸۷۰ پرسشنامه توزیع و از این تعداد ۸۳۴ پرسشنامه به عنوان نمونه تحقیق انتخاب و مورد بررسی قرار گرفته‌اند. اعتبار و روایی متغیرهای تحقیق با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ مورد تأیید قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش ضمن تأیید تفاوت ویژگی‌های شخصیتی، میزان اعتماد به نظام سیاسی، سرمایه اجتماعی و آگاهی سیاسی و جامعه‌پذیری سیاسی در بین شهروندان دو شهرستان مورد مطالعه، نشان می‌دهد که مشارکت سیاسی شهروندان آران و بیدگل بیشتر از شهروندان کاشان می‌باشد.

کلمات کلیدی: مشارکت سیاسی، رفتار سیاسی، انتخابات، الگوی فضایی مشارکت، آگاهی سیاسی.

تاریخ ارسال: ۱۴۰۰/۰۷/۱۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۲/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۳

نویسنده مسئول: حجت مهکویی، گروه جغرافیای سیاسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران، hojat_59_m@yahoo.com

۱- مقدمه

اساس حرکت نظام‌ها در سطح ملی و بین‌المللی، بر مشارکت مردم در عرصه‌های مختلف آن نظام استوار است؛ هر اندازه میزان مشارکت بخصوص در حوزه‌های سیاسی افزایش یابد، اعتبار و قدرت سیاسی نظام در عرصه‌های بین‌المللی افزایش یافته و پشوانه ای برای دستیابی به اهداف پیش‌بینی شده دولتمردان می‌باشد. از مهم‌ترین انواع مشارکت در جامعه، مشارکت سیاسی است که رابطه‌ی تنگاتنگی با مشروعیت نظام‌های سیاسی دارد. مطالعه مشارکت سیاسی هر جامعه‌ای شناخت رفتار سیاسی مردم آن را میسر می‌سازد و مشخص می‌کند که در بسترهای اجتماعی گوناگون میزان مشارکت سیاسی شهروندان چگونه و تحت تأثیر چه عواملی تغییر می‌پذیرد. از دیدگاه پای^۲، مشارکت سیاسی عبارت است از هر نوع اقدام داوطلبانه، موفق یا ناموفق، سازمان‌یافته یا بی‌سازمان، مقطعی و یا مستمر، که برای اثرگذاری بر انتخاب سیاست‌های عمومی، اداره امور عمومی یا برگزیدن رهبران سیاسی در سطوح محلی یا ملی به صورت قانونی و یا غیرقانونی به کار می‌رود (امام جمعه و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۰). برخی بر تأثیر عوامل تحصیلات، درآمد و موقعیت اجتماعی در مشارکت سیاسی تأکید می‌ورزند. در مجموع مشارکت شهروندان که بارزترین جلوه آن انتخابات است، بعنوان موثرترین بازیگران فضا در فرایندهای سیاسی از عمده دلمشغولی‌های اندیشمندان علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و جغرافیای سیاسی به شمار می‌رود. مشارکت سیاسی و رفتار انتخاباتی نگرش سیاسی است که با کارکردهای ساختاری زیرسیستم‌های اقتصادی و فرهنگی در سطح کلان نظام اجتماعی رابطه دارد. کمیت و کیفیت مشارکت انتخاباتی مردم می‌تواند میزان مشروعیت، کارآمدی نظام سیاسی و مقبولیت کارگزاران سیاسی را نشان دهد. شناخت رفتار شهروندان و الگوی شرکت در انتخابات برای احزاب، سیاستمداران و دولت‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا مشارکت گسترده و فراگیر جامعه به منزله پشوانه ملی در سطح داخلی و اعتبار کشور در سطح بین‌المللی و منطقه می‌باشد.

این پژوهش به این سوال پاسخ می‌دهد که مشارکت سیاسی در فضای شهرستان‌های کاشان و آران و بیدگل از چه الگویی پیروی می‌کند؟ در واقع هدف اساسی تحقیق مطالعه تطبیقی بررسی مولفه‌های موثر بر مشارکت سیاسی شهروندان این دو شهرستان می‌باشد. ویژگی‌های شخصیتی، میزان اعتماد به نظام سیاسی، سرمایه اجتماعی و آگاهی سیاسی در بین شهروندان دو شهرستان چه تفاوتی با یکدیگر داشته و آیا این عوامل در میزان مشارکت سیاسی شهروندان کاشان و آران و بیدگل تأثیر داشته است؟

۲- مباحث نظری:

۱-۲- رویکردهای نظری:

مشارکت از مهمترین ارکان توسعه به شمار می‌رود و صاحب‌نظران برای آن اهمیت زیادی قائل هستند. به اعتقاد آنان مشارکت سیاسی از ضرورت‌های جدا نشدنی و انکارناپذیر نظام سیاسی در قرن حاضر است و مهمترین شاخصه‌ی توسعه یافتگی سیاسی، پاسخ به نیاز فزاینده‌ی مشارکت سیاسی و نهادینه کردن آن در چارچوب نهادهای مدنی است (هاشمی و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۰۱). انتخابات و رای‌گیری به عنوان نماد مشارکت سیاسی می‌تواند توجه یا بی‌توجهی شهروندان در قبال یک وظیفه را نشان دهد. همچنین میزان نوسان در تعداد و نسبت آرای اخذ شده در بازه یک دوره معین، افزایش یا کاهش مشارکت سیاسی را نشان می‌دهد (فرهادی، ۱۳۷۲: ۴۴). با توجه به اهمیت مشارکت سیاسی در ایجاد جامعه‌ای متعادل، هماهنگ، پویا و با ثبات که در آن حکومت از تجربه‌ها و آرای همه اقدار جامعه برخوردار می‌شود، شناخت عوامل تأثیرگذار بر مشارکت در انتخابات از اهمیت ویژه‌ای برای پژوهش‌گران و سیاست‌مداران برخوردار است تا بدین وسیله زمینه ثبات سیاسی و استحکام نظام را فراهم آورند، زیرا سهیم کردن مردم در امور اجتماعی و سیاسی در واقع کمک به وفاق اجتماعی و دلبستگی به نظام و کشور است. آنچه از تعاریف مشارکت سیاسی برداشت می‌شود، حاکمیت مردم در انتخابات، دخالت در تصمیم‌گیری‌ها، مشارکت در اداره امور کشور، حضور آگاهانه و قدرتمندانه شهروندان در همه نهادهای اجتماعی است (مصفا، ۱۳۷۵: ۲۰). لذا با توجه به کارکردهای اساسی مشارکت سیاسی، اهمیت موضوع و ضرورت پژوهش در آن بیش از پیش مشخص می‌گردد.

۲-۲- پیشینه تحقیق:

در ذیل نتایج برخی از مطالعات مرتبط با متغیرهای اثر گذار بر مشارکت سیاسی انتخاباتی ارائه می شود:

گلی و مهکویی (۱۳۹۳) در الگوی فضایی مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری، به بررسی چگونگی حضور مردم از دیدگاه فضای سیاسی در انتخابات یازدهمین دوره ریاست جمهوری پرداخته‌اند. نتایج نشان داده که الگوی مشارکت در کشور یکسان نبوده و استان‌های با توسعه یافتگی بالا از مشارکت کمتری برخوردار بوده و استان‌های محروم مشارکت بیشتری داشته‌اند. رومینا و صادقی در بررسی تاثیر طایفه گرایی بر الگوی رای دهی (۱۳۹۴) بدنبال بررسی نقش طایفه گرایی است. وی بر اساس داده‌های پژوهش نتیجه گیری می کند که گرایش‌های طایفه‌ای مکانی در الگوی رای دهی پنج دوره انتخابات مجلس حوزه انتخابیه ممسنی تاثیر چشمگیر داشته و این مولفه پایگاه حمایتی اطمینان بخشی برای کاندیداها محسوب می شده است. زارع و روهنده (۱۳۹۴) در بررسی عوامل اجتماعی موثر بر مشارکت اجتماعی سیاسی، رابطه بین رضایتمندی اجتماعی و سیاسی، دین داری، رسانه، پایگاه اجتماعی اقتصادی با مشارکت را مورد بررسی قرار داده است. وی نتیجه گیری می کند که بین متغیرهای رضایتمندی، رسانه، درآمد و جنسیت با مشارکت سیاسی اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. عرب و امیرمظاهری (۱۳۹۶) در بررسی رابطه بین مولفه‌های عینی و ذهنی قومیتی با توسعه مشارکت سیاسی در شرق استان گلستان، مولفه‌های سطح تحصیلات، عدم وجود تبعیض در دسترسی به مدیریت و توجه به نظرات (مولفه‌های عینی) بر مشارکت سیاسی را بررسی نموده و بر اساس یافته‌های پژوهش نشان می دهد که بین این مولفه‌ها با میزان توسعه مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود دارد. وی همچنین بین قوم گرایی، احترام به نخبگان، احترام به بزرگان و ریش سفیدان بعنوان زیر مجموعه مولفه‌های ذهنی با مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود دارد. وی متغیر جنسیت و قومیت را نیز در ارتباط با مشارکت سیاسی مورد بررسی قرار داده و نتیجه گیری می کند که بین این دو متغیر و مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود دارد.

خواجه سروی (۱۳۹۷) در نحوه تاثیر رسانه‌های جمعی در مشارکت سیاسی شهروندان تهرانی نتیجه گیری می کند که بین متغیر وابسته (مشارکت سیاسی) با شاخص‌هایی مانند شرکت در انتخابات، راهپیمای‌ها، تجمعات سیاسی، تبلیغ برای احزاب، گفتگو با دیگران در حوزه مسائل سیاسی، پیگیری اخبار سیاسی، ارتباط معناداری وجود دارد. همچنین مصرف برنامه‌های سیاسی شبکه‌های رسانه ملی بر مشارکت سیاسی شهروندان مستقیم و تاثیر برنامه‌های سیاسی شبکه‌های ماهواره‌ای بر مشارکت سیاسی آنان معکوس است. شوهانی در سنجش و تحلیل میزان تاثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی مردم (۱۳۹۸) با این فرض که سرمایه اجتماعی نقش اساسی در مشارکت سیاسی دارد، سرمایه اجتماعی را با سه شاخص شبکه‌ها و روابط اجتماعی، اعتماد اجتماعی و همبستگی اجتماعی مورد سنجش قرار داده است. یافته‌ها نشان داده که بین اعتماد اجتماعی، شبکه‌های روابط اجتماعی میان مردم، انسجام و همبستگی اجتماعی و مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین به هر میزان از سطح خانواده به سطح خویشاوندان، همکاران، هم محلی‌ها، همشهریان و هموطنان حرکت کنیم از میزان سرمایه و اعتماد اجتماعی کاسته می شود.

لیپست^۱ (۱۹۷۶) در اثر "مرد سیاسی" با استفاده از یافته‌های آماری درخصوص ویژگی‌های اجتماعی رأی دهندگان و مشارکت کنندگان در فعالیت‌های سیاسی و طبقه‌بندی آن‌ها به دو گروه (مشارکت بالا و مشارکت پایین) به تدوین قواعد آن در زمینه علل شرکت در انتخابات می پردازد. عوامل اجتماعی و زمینه‌ای مورد بررسی لیپست عبارت از: سن، درآمد، تعلیم و تربیت، نژاد، جنس، اقامت، شرایط اجتماعی، تأهل و عضویت در سازمان‌ها می باشد.

بتهام، معتقد است برگزاری انتخابات آزاد و عادلانه از نمادهای دموکراسی و مشروعیت نظام‌های سیاسی است. رقابت در انتخابات، عمده ترین ابزاری است که مقامات حکومتی را ناگزیر به پاسخگویی در برابر مردم و پذیرش نظارت آنها می کند.

1. Lipst

کارکرد مهم دیگر، تضمین برابری سیاسی میان شهروندان هم در زمینه دستیابی به سمت‌های حکومتی و هم در مورد ارزش رای آنها است. بالینکسی و لاراکی (۲۰۱۵) در انتخابات با حکم اکثریت، نظام انتخاباتی با نظام رای‌گیری را ساز و کار و ساختاری از سوی نظام حاکم می‌داند تا فرایند انتخابات در مقیاس‌های ملی و فروملی مشخص شود. وی معتقد است که چارچوب و سامانه انتخابات کشورها به نوع نظام حاکم بر آن کشور بستگی دارد. یعنی نظام حاکم مقیاس (سطح) و فرایند (چگونگی) دخالت و مشارکت شهروندان در جامعه را مشخص می‌کند.

با توجه به پژوهش‌ها و مطالعات مورد بررسی در حوزه مشارکت سیاسی، تحقیقات صورت گرفته به بررسی نقش عوامل مختلف از جمله توسعه یافتگی سیاسی، طایفه‌گرایی و قومیت، رسانه‌ها، سرمایه اجتماعی، اعتماد سیاسی، آگاهی سیاسی، پایگاه اقتصادی اجتماعی و متغیرهای زمینه‌ای در مشارکت سیاسی پرداخته‌اند. با توجه به بیان نظری تحقیق، در این مطالعه مشارکت سیاسی شهروندان شهرستان‌های کاشان و آران و بیدگل تاثیر مولفه‌هایی چون ویژگی‌های شخصیتی، اعتماد به نظام سیاسی، سرمایه اجتماعی، آگاهی سیاسی، دینداری و جامعه‌پذیری سیاسی مورد پژوهش قرار گرفته است. نکته قابل توجه تفاوت این تحقیق با سایر پژوهش‌ها در حوزه مشارکت سیاسی است و آن نگاه مقایسه‌ای بین دو شهرستان همجوار کاشان و آران و بیدگل می‌باشد.

۳- روش تحقیق:

از بین روش‌های تعریف شده صاحب‌نظران علوم اجتماعی، روش تحقیق حاضر را باید از نوع پیمایشی^۱ دانست. اصل مهم پیمایش از نظر وایزبرگ^۲ و براون^۳ این است که «اگر می‌خواهید بدانید مردم چگونه می‌اندیشند باید از خود آن‌ها پرسید» (قاسمی، ۱۳۸۰: ۱۵۹). در این پژوهش نیز به منظور آگاهی از نگرش مردم درباره متغیرهای مختلف، پرسش‌های متعددی طرح شده و پاسخ‌های آنان به عنوان قلب یا موتور تحقیق حاضر به شمار می‌روند. همچنین در تحقیق پیمایشی، اطلاعات مربوط به یک فرد مد نظر نبوده، بلکه اطلاعات به صورت گروهی تجزیه و تحلیل شده و محقق با آمارهای کلی سر و کار دارد. این ویژگی نیز در تحقیق حاضر وجود دارد. از نظر گیدنز در تحقیق پیمایشی پژوهشگر برای کشف عقاید، افکار، ادراکات و ترجیح‌های افراد مورد نظر از پرسشنامه و مصاحبه استفاده می‌کند. روش پیمایش، گردآوری مؤثر داده‌ها در مورد تعداد انبوهی از افراد را ممکن می‌سازد و اجازه می‌دهد بین جواب‌های پاسخگویان مقایسه‌های دقیق انجام شود (گیدنز، ۱۳۷۳: ۷۳۲). در این پژوهش ابزار گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و پرسشنامه می‌باشد. شهروندان در سنین بیست و یک سال به بالای شهرستان‌های کاشان و آران و بیدگل، جامعه آماری این پژوهش را تشکیل می‌دهند. بر این اساس واحد تحلیل در پژوهش حاضر «فرد» می‌باشد و با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، دو شهرستان کاشان و آران و بیدگل به صورت تصادفی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. حجم نمونه ۸۷۰ نفر در نظر گرفته شد که به نسبت جمعیت، حدود یک سوم پرسشنامه‌ها در شهرستان آران و بیدگل و دو سوم آن در شهرستان کاشان توزیع گردید. از این تعداد ۸۳۴ پرسشنامه دریافت و مورد بررسی قرار گرفت. برای تحلیل اطلاعات از نرم افزار SPSS²³ استفاده شده است که در آن‌ها با استفاده از جداول و نمودارها و انواع آزمون‌های آماری و ضرایب همبستگی روابط متغیرها مورد بررسی قرار گرفته‌اند. همچنین از نرم‌افزار Word برای تایپ و تهیه جداول استفاده گردیده است.

به منظور بررسی و تعیین اعتبار و روایی مقیاس‌های پرسشنامه از روش آزمون آلفای کرونباخ^۴ استفاده شده است. مقدار آلفا در دامنه ۰-۱ است؛ به طوری که از طریق این ضریب به پایداری درونی گویه‌ها پی برده می‌شود. اگر این ضریب صفر باشد، بیانگر عدم پایایی کامل گویه‌ها و اگر یک باشد، روایی کامل را نشان می‌دهد. در جدول زیر میزان اعتبار هر یک از مقیاس‌های تحقیق با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ نشان داده شده است.

1. Survey

2. Weisberg

3. Brown

4. Cronbachs coefficient Alpha

مناسب‌ترین آزمون برای تعیین مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عامل، ضریب آلفای کرونباخ است. معنی‌داری این آزمون نشانگر قابلیت داده‌ها برای تحلیل عامل است. ضریب کرونباخ آلفا بین صفر تا یک تغییر می‌نماید و معمولاً زمانی که بالاتر از ۰/۷۰ باشد روایی طیف را مورد قبول تلقی می‌نماید.

جدول (۱): نتایج آزمون آلفای کرونباخ برای سنجش اعتبار و روایی متغیرهای تحقیق

ردیف	نام متغیر	آلفای کرونباخ
۱	سرمایه اجتماعی	.۸۶۳
۲	تقدیرگرایی	.۸۹۲
۳	سنت گرایی	.۷۵۹
۴	اعتماد به نظام سیاسی	.۹۲۱
۵	آگاهی سیاسی	.۸۴۱
۶	مشارکت سیاسی	.۹۲۸

۴- یافته‌های پژوهش:

در این بخش ابتدا به متغیرهای مستقل تحقیق شامل ویژگی‌های شخصیتی، اعتماد به نظامی سیاسی، سرمایه اجتماعی، آگاهی سیاسی و جامعه‌پذیری سیاسی پرداخته شده است و پس از آن متغیر وابسته تحقیق یعنی مشارکت سیاسی مورد بررسی قرار گرفته است.

الف) متغیرهای مستقل:

۱- متغیرهای زمینه‌ای

منظور از متغیرهای زمینه‌ای، عمدتاً عوامل مشخص و نسبتاً پایدار ساختار اجتماعی یعنی ویژگی‌های فردی و خانوادگی نظیر سن، جنس، وضعیت تأهل، تحصیلات، اشتغال و محل سکونت است. بر اساس دیدگاه بلامر^۱ متغیرهایی مثل سن، جنس و طبقه اجتماعی [و سایر متغیرهای زمینه‌ای] از طریق فرایند جامعه‌پذیری بر افراد تأثیر می‌گذارند. افراد در جامعه یاد می‌گیرند که چه نوع رفتاری به عنوان مرد یا زن یا عضو طبقه بالا یا پایین از آن‌ها انتظار می‌رود (بلامر، ۱۹۷۲: ۲۱۹). برای سنجش متغیرهای سن و وضعیت تأهل به طور مستقیم و با استفاده از تک پرسش در پرسشنامه اقدام گردیده است.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که ترکیب جنسیت پاسخگویان در شهرستان‌های کاشان و آران و بیدگل به ترتیب ۵۰،۳ و ۴۳،۵ درصد مرد و ۴۹،۷ و ۵۶،۵ درصد زن می‌باشند. وضعیت اشتغال در این دو شهرستان به ترتیب ۵۳،۶ و ۴۱،۵ درصد شاغل و ۴۶،۴ و ۵۸،۵ درصد غیرشاغل می‌باشند. وضعیت تأهل پاسخگویان در شهرستان کاشان ۳۸،۵ درصد مجرد و ۶۱،۵ درصد متأهل و در شهرستان آران و بیدگل ۴۸،۶ درصد مجرد و ۵۱،۴ درصد متأهل می‌باشند که رابطه بین اشتغال و وضعیت تأهل را نیز می‌توان ملاحظه نمود. همچنین وضعیت تحصیلات در سه مقطع زیردیپلم، فوق‌دیپلم و لیسانس و نهایتاً فوق‌لیسانس و بالاتر در شهرستان کاشان به ترتیب ۱۵،۱، ۹،۹ و ۴۲،۵ درصد می‌باشد و در شهرستان آران و بیدگل به ترتیب ۱۷،۴، ۱۱ و ۴۰،۳ درصد می‌باشد. در جدول زیر محل سکونت پاسخگویان نشان داده شده است:

جدول (۲): توزیع فراوانی و درصدی پاسخگویان بر مبنای محل سکونت

محل سکونت	فراوانی	درصد	درصد خالص	درصد تجمعی
کاشان	۶۱۰	۷۳،۱	۷۴،۵	۷۴،۵
آران و بیدگل	۲۰۹	۲۵،۱	۲۵،۵	۱۰۰
بی‌پاسخ	۱۵	۱،۸		
جمع	۸۳۴	۱۰۰		

بر اساس یافته‌های جدول فوق، ۷۴٫۵ درصد از پاسخگویان ساکن کاشان و ۲۵٫۵ درصد ساکن آران و بیدگل بوده‌اند.

۲- ویژگی‌های شخصیتی

ویژگی‌های شخصیتی افراد، نوع گرایش‌ها، نگرش‌ها و ویژگی‌های اساسی شخصیت فرد چون اجتماعی بودن، برون‌گرایی و نظایر آن می‌باشد. مشارکت سیاسی بر طبق ویژگی‌های شخصی افراد فرق می‌کند. شخصیت‌های اجتماعی‌تر، مسلط‌تر و برون‌گراتر بیشتر احتمال دارد که از نظر سیاسی فعال باشند (غفاری هشجین و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۱۱ و ۲۱۲). پژوهشگران ویژگی‌های تقدیرگرایی، گذشته‌گرایی، خاص‌گرایی، عدم خوداتکایی و بیگانگی اجتماعی را به عنوان عوامل بازدارنده مشارکت قلمداد می‌کنند. متقابلاً خردگرایی، آینده‌گرایی، نوگرایی، عام‌گرایی، خوداتکایی و عدم بیگانگی اجتماعی را به عنوان ویژگی‌های متناسب با وضعیت مشارکت می‌دانند (نیازی، ۱۳۸۰: ۱۲۷).

۲-۱- تقدیرگرایی / خردگرایی

راجرز^۱ تقدیرگرایی را به درجه‌ای از درک فرد نسبت به عدم توانایی‌اش در مورد کنترل آینده تعریف کرده است (شجاعی، ۱۳۸۴: ۴۸). در این تحقیق برای سنجش تقدیرگرایی، با توجه به الگوی کوهن (۱۹۹۷) و پژوهش نیازی (۱۳۸۱)، از ۷ گویه در قالب طیف لیکرت استفاده شده است. در جدول زیر میانگین تقدیرگرایی شهرستان‌های مورد مطالعه را به تفکیک نشان می‌دهد.

جدول (۳): مقایسه تقدیرگرایی در شهرستان‌های مورد مطالعه

ویژگی‌های شخصیتی	شهرستان	میانگین	انحراف معیار	واریانس	آزمون لون برای برابری واریانسها		آزمون t برای برابری میانگین						
					مناداری t	خروجی t	خطای استاندارد میانگین	تفاوت میانگین	مناداری	درجه آزادی	خروجی t	مناداری	
تقدیرگرایی	کاشان	۱۲٫۴۹۱۰	۴٫۳۰۲۳۵	برابری واریانس	۰٫۹۰۰	۰٫۳۴۳	۰٫۳۲	-۰٫۷۳۱۲۵	۰٫۳۲	۸۱۴	-۲٫۴۱۴	۰٫۳۴۳	۰٫۹۰۰
	آران و بیدگل	۱۳٫۲۲۲۲	۴٫۰۴۹۳۲	عدم برابری واریانس			۰٫۲۸	-۰٫۷۳۱۲۵	۰٫۲۸	۳۷۵٫۶۷۷	-۲٫۲۰۹		

بر اساس یافته‌های تحقیق، تقدیرگرایی در شهرستان کاشان ۱۲٫۴۹ درصد و در شهرستان آران و بیدگل ۱۳٫۲۲ درصد و در نتیجه بیشتر از کاشان می‌باشد.

۲-۲- سنت‌گرایی / نوگرایی

سنت وسیله‌ای است که از طریق آن هر کودک چیزی از رسوم اخلاقی و ذخیره دانش متراکم و تعصب نیاکانش را فرا می‌گیرد. به عبارت دیگر سنت وجهی از رفتار یا معیاری است که از طریق گروهی مجزا از فرد پدید می‌آید و در جهت تشدید آگاهی و همبستگی گروهی عمل می‌کند. در این پژوهش برای سنجش میزان سنت‌گرایی افراد از تست سنجش سنت‌گرایی دی. ای. دواس استفاده شده است (دواس، ۱۳۷۶: ۲۴۸). علاوه بر آن، برای افزایش اعتبار تست از برخی از گویه‌های تست میزان تغییرپذیری افراد از ملوین کوهن (۱۹۹۷: ۶۳۶) استفاده گردیده است. مجموعه گویه‌های مورد نظر در این رابطه در قالب طیف لیکرت ارائه گردیده است. در مجموع یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که سنت‌گرایی در شهرستان کاشان ۱۲٫۹۹ درصد و در شهرستان آران و بیدگل ۱۳٫۸۶ درصد و بالاتر از کاشان می‌باشد.

جدول (۴): مقایسه سنت‌گرایی در شهرستان‌های مورد مطالعه

ویژگی‌های شخصیتی	شهرستان	میانگین	انحراف معیار	واریانس	آزمون لون برای برابری واریانسها		آزمون t برای برابری میانگین				
					فروچی	میانگین	خطای استاندارد میانگین	تفاوت میانگین	میانگین	درجه آزادی	خروجی t
سنت‌گرایی	کاشان	۱۲.۹۹۰۱	۳.۳۱۰۶۵	برابری واریانس	۰.۰۰۸	۰.۹۲۹	-۳.۲۹۷	۸۱۴	۰.۰۰۱	-۰.۸۷۴۵۹	۰.۲۶۵۲۹
	آران و بیدگل	۱۳.۸۶۴۷	۳.۲۵۷۷۱	عدم برابری واریانس			-۳.۳۲۳	۳۶۰.۹۴۳	۰.۰۰۱	-۰.۸۷۴۵۹	۰.۲۶۳۱۹

جدول (۵): اعتماد به نظام سیاسی

جمع	اعتماد به نظام سیاسی			محل سکونت
	زیاد	متوسط	کم	
۶۰۹	۱۷۱	۲۱۵	۲۲۳	کاشان فراوانی
۱۰۰	۲۸,۱	۳۵,۳	۳۶,۶	درصد
۲۰۷	۷۲	۷۸	۵۷	آران و بیدگل فراوانی
۱۰۰	۳۴,۸	۳۷,۷	۲۷,۵	درصد
۸۱۶	۲۴۳	۲۹۳	۲۸۰	جمع فراوانی
۱۰۰	۲۹,۸	۳۵,۹	۳۴,۳	درصد

بررسی تفاوت میانگین میزان سنت‌گرایی و تقدیرگرایی شهروندان ساکن در دو شهرستان کاشان و آران و بیدگل بیانگر این امر است که تقدیرگرایی و سنت‌گرایی شهروندان آران و بیدگلی به ترتیب با میانگین ۱۳,۲۲ و ۱۳,۸۶ نسبت به تقدیرگرایی و سنت‌گرایی شهروندان کاشانی به ترتیب با میانگین ۱۲,۴۹ و ۱۲,۹۹ بیشتر می‌باشند. نتایج آزمون t نیز بیانگر معناداری این تفاوت به لحاظ آماری می‌باشد.

۳- اعتماد به نظام سیاسی

اعتماد سیاسی بالا در جامعه، موجب اجرای مقررات و قوانین از سوی مردم، پشتیبانی و حمایت از نظام سیاسی و کنشگران آن، حمایت مردم از مسئولین، دفاع از کشور در زمان‌های مورد نیاز و تلاش بیشتر برای سازندگی، رشد و توسعه می‌شود. مجموعه گویه‌های مورد نظر در این رابطه در قالب طیف لیکرت ارائه گردیده است. جدول زیر میزان اعتماد به نظام سیاسی در دو شهرستان مورد مطالعه را نشان می‌دهد.

بر اساس یافته‌های تحقیق، اعتماد به نظام سیاسی در بین پاسخگویان شهرستان کاشان در حد متوسط و زیاد به ترتیب ۳۵,۳ و ۲۸,۱ درصد و در بین پاسخگویان شهرستان آران و بیدگل در حد متوسط و زیاد به ترتیب ۳۷,۷ و ۳۴,۸ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد شهروندان این شهرستان از اعتماد بالاتری نسبت به نظام در مقایسه با شهرستان کاشان برخوردار می‌باشند.

۴- سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی با متغیرهای شناخته شده‌ای همچون اعتماد، آگاهی، نگرانی درباره دیگران و مسائل عمومی، مشارکت در مسائل عمومی و انسجام، همبستگی گروهی و همکاری ارتباط دارد (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۲۹). پاتنام معتقد است که سرمایه اجتماعی آن دسته از ویژگی‌های زندگی اجتماعی، شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد است که مشارکت‌کنندگان را قادر می‌سازد تا به شیوه‌ای موثرتر اهداف خود را تعقیب نمایند (جان فیلد، ۱۳۸۶: ۵۵). ابعاد سرمایه اجتماعی از دیدگاه پاتنام شامل وجود مجموعه‌ای مترکام از سازمان‌ها و شبکه‌های اجتماع محلی؛ سطوح بالای تعهد مدنی یا مشارکت در شبکه‌های اجتماعی محلی؛ هنجارهای تعمیم‌یافته محلی مربوط به اعتماد و کمک متقابل بین اعضای اجتماع محلی و اینکه آیا آن‌ها یکدیگر را به لحاظ شخصی می‌شناسند یا خیر

می‌باشد (سعادت، ۱۳۸۵: ۲۰۳). از طرفی دیگر، سرمایه اجتماعی بر کیفیت مشارکت سیاسی موثر است (تاجیک و جعفری، ۱۳۸۷: ۱۷۴). نیوتن^۱ استدلال می‌کند که اعتماد به نهادهای سیاسی مبتنی بر عملکرد نظام سیاسی است و تحت تاثیر عواملی چون فساد سیاسی، تورم، بیکاری، ناتوانی نظام سیاسی قرار دارد (سردارنیا و قدرتی، ۱۳۸۸: ۱۴۴).

در این پژوهش، جهت سنجش سرمایه اجتماعی شهروندان مطابق نظریه ناهایت و گوشال (۱۹۹۸) در سه بعد شناختی، ارتباطی و ساختاری، در جامعه آماری استفاده شده است. این پرسشنامه حاوی ۳۴ سؤال است که سرمایه اجتماعی را در سه سطح شناختی (مشارکت، اعتماد، نگرش‌ها و تعهدات موجود در مجموعه) با ۱۰ سؤال، ساختاری (تصمیم‌گیری، ساختارها و فعالیت‌های گروهی در جامعه) با ۱۵ سؤال و ارتباطی (ارتباطات درون گروهی و برون گروهی، کمیت و کیفیت آن‌ها) با ۹ سؤال مورد سنجش قرار می‌دهد (رجبی گیلان و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۸). علاوه بر این، جهت افزایش روایی و دقت در سنجش مفهوم سرمایه اجتماعی از برخی گویه‌های پژوهش شیری و همکاران (۱۳۹۳: ۶۷ و ۶۸) نیز استفاده شده است. طبق جدول زیر سرمایه اجتماعی در حد زیاد شهرستان کاشان ۲۸,۷ درصد و در شهرستان آران و بیدگل ۳۱,۶ درصد می‌باشد.

جدول (۶): سرمایه اجتماعی

شهرستان	سرمایه اجتماعی			جمع
	کم	متوسط	زیاد	
کاشان	۱۱۱ ٪۱۸,۲	۳۲۴ ٪۵۳,۱	۱۷۵ ٪۲۸,۷	۶۱۰ ٪۱۰۰
آران و بیدگل	۲۸ ٪۱۳,۴	۱۱۵ ٪۵۵,۰	۶۶ ٪۳۱,۶	۲۰۹ ٪۱۰۰
جمع	۱۳۹ ٪۱۷,۰	۴۳۹ ٪۵۳,۶	۲۴۱ ٪۲۹,۴	۸۱۹ ٪۱۰۰

بر اساس یافته‌های تحقیق، سرمایه اجتماعی در شهرستان کاشان ۷۰,۶ درصد و در شهرستان آران و بیدگل ۷۱,۸ درصد می‌باشد که با ۱,۲ درصد سرمایه اجتماعی بیشتر، بالاتر از کاشان قرار گرفته است.

جدول (۷): میانگین متغیر سرمایه اجتماعی در شهرستان‌های مورد مطالعه

متغیر	محل سکونت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد میانگین
سرمایه اجتماعی	کاشان	۶۱۰	۷۰,۶۶۷۲	۱۰,۶۳۹۹۱	۰,۴۳۰۸۰
	آران و بیدگل	۲۰۹	۷۱,۸۹۰۰	۹,۴۹۷۰۸	۰,۶۵۶۹۳

۵- آگاهی سیاسی

در جدول زیر میزان آگاهی سیاسی شهروندان در قالب گویه‌های مورد بررسی ارائه شده است. بر اساس جدول زیر میزان آگاهی سیاسی شهروندان شهرستان کاشان در حد کم، متوسط و زیاد به ترتیب ۳۲,۲، ۴۴,۱ و ۲۳,۶ درصد می‌باشد و در شهرستان آران و بیدگل به همان ترتیب ۲۵,۴، ۳۵,۴ و ۳۹,۲ درصد می‌باشد. به عبارت دیگر مجموع متوسط و زیاد در کاشان ۶۷,۷ درصد و در شهرستان دیگر ۷۴,۶ درصد می‌باشد. بر این مبنای شهروندان آران و بیدگل از آگاهی سیاسی بالاتری به نسبت شهروندان کاشان برخوردار می‌باشند.

جدول (۸): میزان آگاهی سیاسی

جمع	میزان آگاهی سیاسی			محل سکونت
	زیاد	متوسط	کم	
۶۱۰	۱۴۴	۲۶۹	۱۹۷	شهر کاشان فراوانی
۱۰۰	۲۳,۶	۴۴,۱	۳۲,۳	درصد
۲۰۹	۸۲	۷۴	۵۳	آران و بیدگل فراوانی
۱۰۰	۳۹,۲	۳۵,۴	۲۵,۴	درصد
۸۱۹	۲۲۶	۳۴۳	۲۵۰	جمع فراوانی
۱۰۰	۲۷,۶	۴۱,۹	۳۰,۵	درصد

۶- دینداری

دینداری به رفتار دینی در برابر باورها و اعتقادات اشاره دارد. این مفهوم بیانگر کیفیت رفتاری است که شخص دیندار با آن تعریف می‌شود (غلامزاده بهبهانی، ۱۳۸۵: ۳۷). در این پژوهش برای سنجش میزان دینداری پاسخگویان ترکیبی از گویه‌های تحقیق محسنی^۱ (۱۳۷۵) برگرفته از جاراللهی، (۱۳۸۳: ۸۹) و مقیاس سنجش دینداری شجاعی‌زند (۱۳۸۱) جهت افزایش روایی و با استفاده از ۱۲ گویه مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به مجموع گویه‌های فوق و تقسیم دامنه تغییرات جامعه آماری به عدد سه با فواصل برابر، مجموع وضعیت دینداری شهروندان دو شهرستان به دست آمده است. بر اساس یافته‌های پژوهش، میزان دینداری ۱۴,۳ درصد از شهروندان در حد کم، ۴۲,۱ درصد در حد متوسط و ۴۳,۶ درصد در حد زیاد می‌باشد. در جدول زیر میانگین متغیر دینداری بین شهروندان دو شهرستان نشان داده شده است.

جدول (۹): توزیع فراوانی و درصدی میزان دینداری

موارد	فراوانی	درصد	درصد خالص	درصد تجمعی
کم	۱۱۹	۱۴,۳	۱۴,۳	۱۴,۳
متوسط	۳۵۰	۴۲,۰	۴۲,۱	۵۶,۴
زیاد	۳۶۳	۴۳,۵	۴۳,۶	۱۰۰
بی‌پاسخ	۲	۰,۲		
جمع	۸۳۴	۱۰۰		

بر اساس یافته‌های جدول فوق، میانگین دینداری بین شهروندان کاشان ۲۷,۳ درصد و بین شهروندان آران و بیدگل ۲۶,۶ درصد می‌باشد. بر این مبنا دینداری شهروندان کاشان بیشتر از شهروندان آران و بیدگل می‌باشد.

جدول (۱۰): میانگین دینداری دو شهرستان

متغیر	شهر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد میانگین
دینداری	کاشان	۶۱۰	۲۷,۳۰۱۶	۶,۵۶۷۳۸	۰,۲۶۵۹۱
	آران و بیدگل	۲۰۷	۲۶,۶۳۷۷	۶,۰۲۴۱۵	۰,۴۱۸۷۱

۱. اعتبار معرف‌های بکار برده شده در پژوهشی ملی با عنوان «بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی در ایران» فصل یازدهم: رفتارهای مذهبی که توسط آقای منوچهر محسنی انجام گرفته است، تأیید شده است. مجری محترم طرح در ابتدای این فصل توضیح می‌دهد که «به دلیل دشواری‌های پرسش و کسب اطلاع دقیق در این زمینه، بر اساس تجربیات طرح‌های گذشته و نیز نتایج آزمون اولیه پرسشنامه، حوزه‌ی پرسش به چند موضوع مرتبط با برخی از مستحبات مذهبی اختصاص یافت که کسب اطلاع از آن در مقایسه با بسیاری موارد دیگر، هم به سهولت بیش‌تری امکان‌پذیر است و هم احتمال اخذ پاسخ‌های مبتنی بر عینیت بیش‌تر است».

۷- جامعه پذیری سیاسی

متغیر جامعه‌پذیری سیاسی با استفاده از ۱۸ گویه مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به مجموع گویه‌ها و تقسیم دامنه تغییرات جامعه آماری به عدد سه با فواصل برابر، میزان جامعه‌پذیری سیاسی مجموع شهروندان دو شهرستان به دست آمده است.

جدول (۱۱): توزیع فراوانی و درصدی میزان جامعه‌پذیری سیاسی

موارد	فراوانی	درصد	درصد خالص	درصد تجمعی
کم	۲۲۸	۲۷,۳	۲۷,۴	۲۷,۴
متوسط	۳۹۰	۴۶,۸	۴۶,۸	۷۴,۲
زیاد	۲۱۵	۲۵,۸	۲۵,۸	۱۰۰
بی‌پاسخ	۱	.۱		
جمع	۸۳۴	۱۰۰		

بر اساس یافته‌های پژوهش، میزان جامعه‌پذیری سیاسی ۲۷,۴ درصد از شهروندان در حد کم، ۴۶,۸ درصد در حد متوسط و ۲۵,۸ درصد در حد زیاد می‌باشد.

دقت در میزان مشارکت سیاسی زیاد در بین شهروندان بیانگر این امر است که با افزایش میزان جامعه‌پذیری سیاسی شهروندان، میزان مشارکت سیاسی در بین آنان نیز افزایش یافته است. به گونه‌ای که میزان مشارکت سیاسی در حد زیاد در بین شهروندان با میزان جامعه‌پذیری متوسط به میزان ۱۷,۶ درصد و جامعه‌پذیری سیاسی زیاد به میزان ۲۶,۹ درصد می‌باشد. در مجموع، همبستگی بین دو متغیر فوق بر مبنای ضریب همبستگی پیرسون با $I=0/344$ و $sig=0/000$ مورد تأیید قرار گرفته است. لذا با افزایش جامعه‌پذیری سیاسی شهروندان، مشارکت سیاسی نیز روند صعودی داشته و از ۷,۲ درصد به ۲۶,۹ درصد در حد زیاد می‌رسد که رشد بیش از ۳,۷ درصدی را شاهد هستیم. بنابراین با افزایش جامعه‌پذیری سیاسی، مشارکت سیاسی نیز روند صعودی دارد. در جدول زیر میانگین جامعه‌پذیری سیاسی شهروندان دو شهرستان نشان داده شده است.

جدول (۱۲): میانگین جامعه‌پذیری سیاسی دو شهرستان

خطای استاندارد میانگین	انحراف معیار	میانگین	تعداد	شهر	متغیر
۳۰۶۱۸	۷,۵۶۲۰۰	۳۶,۵۹۵۱	۶۱۰	کاشان	جامعه‌پذیری سیاسی
۴۹۹۳۶	۷,۲۰۱۸۴	۳۷,۲۲۶۰	۲۰۸	آران و بیدگل	

بر اساس یافته‌های جدول، میزان جامعه‌پذیری شهروندان کاشان ۳۶,۵ درصد و بین شهروندان آران و بیدگل ۳۷,۲ درصد می‌باشد. بنابر این شهروندان آران و بیدگل از جامعه‌پذیری بیشتری به نسبت شهروندان کاشان برخوردار می‌باشند.

ب- متغیر وابسته:

مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی از لحاظ کمی و کیفی متاثر از عوامل مختلفی است. آلموند و پاول عوامل تحصیلات و پایگاه اقتصادی را موجب فعال‌تر شدن در سیاست می‌دانند و اسمیت مبتنی بر نظریه بسیج، مشارکت را نتیجه فعالیت احزاب می‌داند. وی معتقد است که ویژگی‌های فردی نقش چندانی در مشارکت ندارند و این احزاب و گروه‌های سیاسی هستند که موجبات مشارکت سیاسی گسترده را فراهم می‌کنند (اسمیت، ۱۳۷۸: ۵۸). علی‌ایحال در این پژوهش مشارکت سیاسی شهروندان به عنوان متغیر وابسته در قالب ۱۴ گویه مورد بررسی قرار گرفته است. در جدول زیر میزان مشارکت شهروندان بر مبنای شهرستان محل سکونت

آنان مورد بررسی قرار گرفته است. بر اساس یافته‌ها، میزان مشارکت سیاسی در حد زیاد در بین شهروندان ساکن در شهر کاشان ۱۳,۹ درصد می‌باشد. این میزان در بین شهروندان ساکن در آران و بیدگل به ۲۵,۹ درصد افزایش یافته است. متقابلاً، میزان مشارکت سیاسی کم در بین شهروندان کاشانی با ۵۴ درصد بیش از شهروندان آران و بیدگلی با ۳۲,۸ درصد می‌باشد.

جدول (۱۳): میزان مشارکت سیاسی شهروندان بر مبنای محل سکونت

جمع	مشارکت سیاسی			محل سکونت	
	زیاد	متوسط	کم		
۶۰۶	۸۴	۱۹۵	۳۲۷	فراوانی	کاشان
۱۰۰	۱۳,۹	۳۲,۲	۵۴,۰	درصد	
۲۰۱	۵۲	۸۳	۶۶	فراوانی	آران و بیدگل
۱۰۰	۲۵,۹	۴۱,۳	۳۲,۸	درصد	
۸۰۷	۱۳۶	۲۷۸	۳۹۳	فراوانی	جمع
۱۰۰	۱۶,۹	۳۴,۴	۴۸,۷	درصد	

بر این مبنای بر اساس نتایج شاهد تفاوت میزان مشارکت سیاسی در بین شهروندان دو شهر می‌باشیم. جهت بررسی معناداری این تفاوت از آزمون t استفاده شده است. نتایج این آزمون با مقدار t برابر با ۵,۱۸۹- و $\text{sig}=0,000$ بیانگر تفاوت معنادار میزان مشارکت سیاسی در بین شهروندان این دو شهر می‌باشد.

جدول (۱۴): نتایج آزمون t تفاوت مشارکت سیاسی در بین شهروندان کاشان و آران و بیدگل

میانگین و انحراف استاندارد مشارکت سیاسی در بین شهروندان شهرهای کاشان و آران و بیدگل	محل سکونت		تعداد	میانگین			
	کاشان	آران و بیدگل		میانگین	انحراف معیار	تفاوت میانگین	
نتایج آزمون	آزمون لون		آزمون t برای برابری میانگین				
	میانگین	خروجی f	درجه آزادی	معناداری	تفاوت میانگین	خطای استاندارد میانگین	
مشارکت سیاسی	برابری واریانس‌ها	۰,۳۹۵	۸۰۵	۰,۰۰۰	-۳,۷۷۳۴۳	۰,۷۲۷۲۱	
	عدم برابری واریانس‌ها	۰,۵۳۰	۳۳۴,۹۶۵	۰,۰۰۰	-۳,۷۷۳۴۳	۰,۷۳۶۵۶	

۸- نتیجه گیری:

در هر جامعه‌ای، دلایل متفاوت شهروندان برای مشارکت سیاسی یا عدم مشارکت وجود دارد و جامعه مورد بررسی نیز از این امر مستثنا نیست. تحلیل فضایی مشارکت علاوه بر کمک به شناخت دقیق‌تر عوامل و زمینه‌های تاثیرگذار بر آن، دیدگاه فضایی خاصی را ارائه می‌کند که طی آن مشخص می‌شود هر منطقه چه نوع رویکردی به مشارکت و انتخابات بعنوان نماد آن داشته‌اند. انتخابات از مولفه‌های اصلی مشارکت همگانی، همراه با احساس مسئولیت شهروندان در اداره کشور می‌باشد. لذا بررسی لایه‌های اجتماعی انتخابات و فهم اینکه افراد، گروه‌ها و اقشار اجتماعی چه رفتاری در انتخابات بروز می‌دهند از اهمیت بسزایی برخوردار است. بررسی قشر جوان که گاه بعنوان نسل X از آنها یاد می‌شود، شبکه‌های اجتماعی، رای اولی‌ها، مناطق روستایی و شهری از اهمیت بسزایی در بحث مشارکت سیاسی و انتخابات هستند. در ارتباط با الگوی فضایی مشارکت سیاسی انتخاباتی، رویکردهای نظری متفاوتی از سوی صاحب‌نظران ارائه شده است. از این بین می‌توان به نظریه هویت حزبی، نظریه ایدئولوژی مسلط، اثربخشی سیاسی، نظریه هزینه فایده (دال)، سلسله مراتب نیازها (اینگلهارت)، مکتب شیکاگو، طبقه اجتماعی و عوامل فردی دخیل در رای‌دهی اشاره کرد.

شناسایی عوامل موثر در کاهش یا افزایش مشارکت سیاسی، این امکان را به برنامه‌ریزان سیستم سیاسی می‌دهد تا به حذف عوامل کاهش‌دهنده و ایجاد و توسعه عوامل مثبت در میزان مشارکت سیاسی، زمینه ثبات سیاسی و استحکام سیستم را فراهم آورند. مطالعه موقعیت و ویژگی‌های یک مکان یا منطقه جغرافیایی به ما کمک می‌کند تا تصویر بهتری از آن داشته باشیم. همچنین برای درک کارکردها و نقش‌هایی که در زمینه مسائل سیاسی اجتماعی اقتصادی و فرهنگی می‌تواند بازی کند، کمک خواهد کرد (احمدی پور، ۱۳۹۴: ۱۶۳).

الگوی فضایی شهرستان‌های کاشان و آران و بیدگل واجد ابعاد مشابه و متفاوتی با یکدیگر می‌باشند. کاشان با بیش از ۳۵۰۰۰۰ نفر جمعیت و آران و بیدگل با بیش از ۱۰۰۰۰۰ نفر جمعیت نسبت حدودی یک سوم را دارند. هر دو دارای بخش بزرگ صنعتی و کشاورزی می‌باشند. از لحاظ فرهنگ و آداب و رسوم نزدیک به هم و هر دو مذهبی‌اند. اما کاشان به نسبت امکانات شهری، درمانی و راه‌های دسترسی در وضعیت مطلوب‌تری قرار دارد و از بعد جذب گردشگر تاریخی، طبیعی و مذهبی از موقعیت بهتری برخوردار بوده و بعلاوه موقعیت اقتصادی و اجتماعی، مهاجرپذیرتر و همچنین محل سکونت گاهی جامعه سنتی، نیمه سنتی و مدرن مشخص‌تر و به وضوح قابل رویت می‌باشد. با توجه به جمیع موارد و کاهش نقش همسایگی، قومیتی و طایفه‌ای در کاشان، فرضیه پژوهش بر مبنای تفاوت در میزان مشارکت سیاسی شهروندان این دو شهرستان شکل گرفته است. گستردگی بیشتر جمعیت کاشان، مهاجرپذیری آن، کاهش نقش قومیت - طایفه به مفهوم عام گروه انسانی که به واسطه تجربیات مشترک گردهم آمده و با یکدیگر در ارتباط باشند (قیصری، ۱۳۸۶: ۸۸)، فضای جغرافیایی و محیط سیاسی متفاوتی را به کاشان داده است.

سنت، نظام‌های خویشاوندی و اجتماعات محلی در جوامع سنتی نوعی از اعتماد را بوجود می‌آورند. این نوع اعتماد مستلزم تعاملات چهره به چهره است تا افراد یکدیگر را بشناسند و از این رهگذر به هم اعتماد داشته باشند. به اعتقاد شوهانی مشارکت تحقق نمی‌یابد، مگر با تحقق مولفه‌های سرمایه اجتماعی و سرمایه اجتماعی تحقق نمی‌یابد، مگر با تجلی شاخص‌هایی همچون اعتماد و پیوندهای میان افراد (شوهانی، ۱۳۹۸: ۳). همچنین، نظام‌های خویشاوندی و شبکه‌های ارتباطی محدود و درون‌گروهی در کنار سایر متغیرها در افزایش مشارکت سیاسی شهروندان شهرستان آران و بیدگل موثر می‌باشند. هورتون و کولی تعلق به گروه و تاثیرپذیری از آن را زمینه‌ساز کنش سیاسی افراد می‌دانند. آنها نه بدلیل افکار خود بلکه بر اساس معیارهای دوستان و خانواده به فعالیت سیاسی مبادرت می‌ورزند. لذا افراد آنگونه می‌اندیشند که از نظر اجتماعی در آن به سر می‌برند (هاشمی و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۰۷).

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که میزان آگاهی سیاسی در شهرستان آران و بیدگل ۷۴٫۶ درصد در حد متوسط و زیاد به نسبت ۶۷٫۷ درصد در حد متوسط و زیاد شهرستان کاشان بیشتر است. همچنین این شهرستان اعتماد بیشتری به نظام سیاسی دارند و با وجود حس رقابت شدید درون شهری بین منطقه آران و منطقه بیدگل حضور بیشتر در صحنه‌ها و تجمعات گروهی همانند هیات‌ها، راهپیمایی‌ها و صندوق‌های رای را به همراه دارد.

سرمایه اجتماعی مبتنی بر مشارکت، انسجام، اعتماد و آگاهی اجتماعی، توانایی سازماندهی جمعی و داوطلبانه برای رفع مشکلات عمومی جامعه را به همراه دارد (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۱۰) و وجود شبکه‌های مشارکت اجتماعی و سیاسی در هر جامعه بیانگر میزان سرمایه اجتماعی آن جامعه است. هرچه این شبکه‌ها گسترده‌تر باشد، سرمایه اجتماعی غنی‌تر است. تاجیک و جعفری معتقدند که سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی موثر است (تاجیک و جعفری، ۱۳۸۷: ۱۷۴). به اعتقاد پاتنام، اعتماد همکاری را تسهیل می‌کند و هرچه سطح اعتماد در جامعه‌ای بالاتر باشد، احتمال همکاری هم بیشتر خواهد بود و خود همکاری نیز اعتماد ایجاد می‌کند (پاتنام، ۲۰۰۰: ۶۵). همچنین در پژوهش تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر مشارکت شهروندان شهرهای کاشان و آران و بیدگل، وجود همبستگی مثبت و معنی‌داری بین سرمایه اجتماعی و مشارکت اجتماعی شهروندان با میزان مشارکت سیاسی را مورد تأیید قرار داده است (حسن زاده، ۱۳۹۵). میانگین سرمایه اجتماعی در جدول فوق میزان بالاتر شهرستان آران و بیدگل با ۷۱٫۸ درصد را نشان می‌دهد.

سنت‌گرایی و تقدیرگرایی رابطه معکوس و دینداری رابطه مثبت و مستقیم با میزان مشارکت سیاسی شهروندان دارد. کاویانی‌راد در جغرافیای انتخابات و در مبحث خاستگاه آراء دینی و مذهبی معتقد است که افرادی که آراءشان در این بخش قرار می‌گیرد با اعتقاد به اینکه نفس رای دادن از واجبات شرعی است، در مشارکت سیاسی حضور فعال پیدا می‌کنند. در بررسی رابطه بین میزان دینداری شهروندان و میزان مشارکت سیاسی آنان، یافته‌ها بیانگر آن است که هرچه دینداری افزایش یابد از مشارکت کم آنها کاسته می‌شود. لذا بین دینداری و مشارکت سیاسی رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد. همچنین یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که میزان دینداری شهروندان کاشان بیشتر و تقدیرگرایی و سنت‌گرایی آنها کمتر از شهروندان آران و بیدگل می‌باشد و لذا با در نظر گرفتن رابطه فوق‌الاشاره، می‌بایست از مشارکت بیشتری به نسبت شهروندان آران و بیدگل برخوردار باشند. اما میزان بالاتر متغیرهای اعتماد به نظام سیاسی، سرمایه اجتماعی، آگاهی سیاسی و جامعه‌پذیری سیاسی شهروندان آران و بیدگل، تاثیرگذاری بیشتر این متغیرها به نسبت تقدیرگرایی، سنت‌گرایی و دینداری بر میزان مشارکت سیاسی پاسخگویان آران و بیدگل را نشان می‌دهد. بررسی داده‌های پژوهش و انجام فعالیت‌های آماری، فرضیه پژوهش را تائید می‌کند و نشان می‌دهد که مشارکت در حد کم شهروندان شهرستان کاشان ۵۴ درصد و شهرستان آران و بیدگل ۳۲٫۸ درصد می‌باشد و مشارکت در حد زیاد شهرستان‌های فوق به همان ترتیب به صورت ۱۳٫۹ درصد و ۲۵٫۹ درصد است. لذا شهروندان آران و بیدگل با مجموع مشارکت متوسط و زیاد ۶۷٫۲ و میانگین ۲۸٫۹ درصد در برابر میزان مشارکت متوسط و زیاد ۴۶٫۱ و میانگین ۲۵٫۱ درصد شهروندان کاشان از مشارکت بیشتری برخوردار می‌باشند. بر اساس آزمون t تفاوت معناداری بین میزان مشارکت سیاسی شهروندان این دو شهرستان دیده می‌شود و ضمن تائید فرضیه پژوهش، رابطه معناداری را در میزان مشارکت سیاسی این دو شهرستان نشان می‌دهد.

شناخت کامل از وضعیت، کمیت و کیفیت مشارکت سیاسی در جامعه ایران در این برهه از زمان، شناسایی عوامل مؤثر در کاهش و یا افزایش مشارکت سیاسی افراد، این امکان را به برنامه‌ریزان سیستم سیاسی می‌دهد تا با حذف عوامل کاهش دهنده و ایجاد و توسعه عوامل مثبت در میزان مشارکت سیاسی زمینه‌ثبات سیاسی و استحکام سیستم را فراهم آورند. مطالعه تطبیقی مشارکت سیاسی شهرستان‌های مورد مطالعه، نشان می‌دهد که آگاهی سیاسی، اعتماد به نظام سیاسی، سرمایه اجتماعی، جامعه‌پذیری سیاسی، با میزان مشارکت سیاسی رابطه معنادار و مستقیم داشته و با افزایش آنها مشارکت سیاسی نیز روند افزایشی دارد. متغیرهای فوق‌الاشاره، نشان می‌دهند که شهروندان شهرستان آران و بیدگل از مشارکت سیاسی بالاتری نسبت به شهروندان شهرستان کاشان برخوردار می‌باشند.

منابع

- احمدی پور، زهرا، قادری حاجت، مصطفی (۱۳۹۴)، ساماندهی و آمایش سیاسی فضای شهری، چاپ اول، سمت.
- اسمیت، بی.سی (۱۳۷۸)، احزاب سیاسی و کثرت‌گرایی در جهان سوم، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۴۰-۱۳۹.
- امام جمعه زاده، رهبرقاضی، محمودرضا، عیسی نژاد، امید و مرندی، زهره (۱۳۹۱)، بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی در بین دانشجویان دانشگاه اصفهان، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال هفتم، شماره ۴، پاییز.
- تاجبخش، کیان (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران.
- تاجیک، محمدرضا، جعفری، روح... (۱۳۸۷)، بررسی تاثیر سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی بین دانشجویان دانشگاه های تهران، فرهنگ اندیشه، سال هفتم، شماره ۲۷-۲۶، تابستان و پاییز.
- حسن زاده، زهرا (۱۳۹۵)، تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر میزان مشارکت سیاسی شهروندان شهر کاشان و آران و بیدگل، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان.

- خواجه سروی، غلامرضا، نوربخش، سیدمسعود (۱۳۹۷)، نحوه تاثیر رسانه های جمعی در مشارکت سیاسی شهروندان تهرانی، جستارهای معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال نهم، شماره دوم، ۸۱-۵۵.
- دارابی، علی (۱۳۸۸)، بنیادهای نظری رفتار انتخاباتی شهروندان در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه پژوهش های ارتباطی، سال ۱۶، شماره ۱، (پیاپی ۵۷)، ۳۷-۹.
- دواس، دی. ای (۱۳۷۶)، پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایی، تهران، نشر نی.
- رجبی گیلان، نادر؛ قاسمی، سیدرامین؛ رشادت، سهیلا؛ رجبی، سجاد (۱۳۹۲)، بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی مرتبط با سلامت در معلمان، فصلنامه علمی دانشگاه علوم پزشکی زنجان، دوره ۲۱، شماره ۸۸: ۱۰۷-۹۵
- رومینا، ابراهیم، صادقی، وحید (۱۳۹۴)، بررسی تاثیر طایفه گرایی بر الگوی رای دهی (مطالعه موردی شهرستان نورآباد ممسنی)، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال یازدهم، شماره سوم، ۱۱۶-۸۴.
- زارع، بیژن، روهنده، مجید (۱۳۹۴)، بررسی عوامل اجتماعی موثر بر مشارکت اجتماعی سیاسی (مطالعه موردی در باب شهروندان بالای ۱۸ سال شهر کرج)، مطالعات اجتماعی ایران، دوره نهم، شماره ۲.
- سردارنیا، خلیل ا...، قدرتی، حسین و علیرضا اسلام (۱۳۸۸)، تاثیر حکمرانی خوب و سرمایه اجتماعی بر اعتماد سیاسی، مطالعه موردی شهر مشهد و سبزوار، پژوهشنامه علوم سیاسی، مقاله ۴، دوره پنجم، شماره ۱، زمستان ۱۳۸۸.
- سعادت، رحمان (۱۳۸۵)، تخمین سطح و توزیع سرمایه اجتماعی استان ها، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ششم.
- سیدامامی، کاووس، عبدالمطلب، عبد... (۱۳۸۸)، عوامل موثر بر مشارکت شهروندان در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس مطالعه موردی شهر تهران، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال چهارم، شماره چهارم، ۱۴۶-۱۰۹.
- شجاعی، جواد (۱۳۸۴)، عوامل اجتماعی روانی مؤثر بر تقدیر گرایی، پیمایش، ویژه نامه هفته پژوهش، مرکز آموزش عالی علمی- کاربردی فرهنگ و هنر اصفهان، اصفهان، هنرهای زیبا، ۴۶-۶۶.
- شجاعی زند، علیرضا (۱۳۸۱)، دین، جامعه، عرفی شدن، جستارهایی در جامعه شناسی دین، تهران، نشر مرکز.
- شیری، نعمت اله؛ خوش مرام، مژگان؛ رستمی، فرحناز؛ میرک زاده، علی اصغر (۱۳۹۳)، مطالعات اندازه گیری و ارزشیابی آموزشی، دوره ۴، شماره ۶، ۸۳-۵۷.
- شوهانی، احمد و شوهانی، نادر (۱۳۹۸)، سنجش و تحلیل میزان سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی مردم (مطالعه موردی: شهر ایلام)، فصلنامه پژوهش های سیاسی جهان اسلام، سال نهم، شماره چهارم، ۲۵-۱.
- عرب، عباسعلی، امیرمظاهری، امیرمسعود (۱۳۹۶)، بررسی رابطه بین مولفه های عینی و ذهنی قومیت با توسعه مشارکت سیاسی در شرق استان گلستان (با تاکید بر انتخابات مجلس شورای اسلامی)، مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال دهم، شماره اول.
- غفاری هنجین، ز.، ۱۳۸۹، عوامل موثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان علوم سیاسی و فنی دانشگاه تهران، مجله دانش سیاسی، سال ششم، (۱۲)۲.
- غلامزاده بهبهانی، شیرین (۱۳۸۵)، دینداری موازی: مطالعه دلایل جامعه شناسانه پیدایش آن، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشگاه الزهرا (س).
- فرهادی، م.، ۱۳۷۲، فرهنگ یاریگری در ایران، تهران، مرکز نشر دانشگاه، فصلنامه علوم سیاسی، سال اول، ۱.
- فیلد، جان (۱۳۸۶)، سرمایه اجتماعی، ترجمه غلامرضا غفاری، حسین رضوانی، تهران، چاپ اول.
- قاسمی، وحید (۱۳۸۰)، گونه شناسی و تبیین فرهنگ سیاسی دانشجویان شاغل به تحصیل در ایران سال تحصیلی ۸۰-۱۳۷۹، رساله دکتری در رشته جامعه شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان.
- قیصری، نورا.. (۱۳۸۶)، تنوع فرهنگی و وحدت ملی در ایران: الزامات نظری و رهیافتی، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، گروه پژوهش های فرهنگی، پژوهش نامه، شماره ۸.
- کاویانی راد، مراد، قره بیگی، مصیب (۱۳۹۶)، جغرافیای انتخابات، پژوهشکده مطالعات راهبردی، چ اول.

- گلی، علی و مهکویی، حجت (۱۳۹۳)، الگوی فضایی مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری (مطالعه موردی دوره یازدهم ریاست جمهوری)، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دهم، شماره دوم، ۲۱۳-۱۸۹.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳)، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری. تهران، نشر نی.
- لیپست، سیمور مارتین (۱۳۸۳)، دایره‌المعارف دموکراسی، ترجمه کامران فانی، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران.
- محسنی، منوچهر (۱۳۷۵)، بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی- فرهنگی در ایران، مرکز پژوهش‌های بنیادی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
- مصفا، نسرین (۱۳۷۵)، مشارکت سیاسی زنان، دفتر مطالعات وزارت امور خارجه، تهران، موسسه چاپ و انتشارات قائم.
- نبوی، بهروز (۱۳۶۷)، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم اجتماعی، تهران، انتشارات کتابخانه فروردین.
- نیازی، محسن (۱۳۸۱)، تبیین موانع مشارکت اجتماعی در شهرستان کاشان، پایان‌نامه دکتری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان.
- هاشمی، سیدضیاء، فولادیان، مجید، فاطمی امین، زینب (۱۳۸۸)، بررسی عوامل اجتماعی و روانی موثر بر مشارکت سیاسی مردم شهر تهران، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال پنجم، شماره ۱، زمستان ۲۲۷-۱۹۱.

Balinski, M and Laraki, R. (2015) Election by Majority Judgement Experimental Evidence, in Dolez, Bernard, Goffman, Bernard.

Blumler, J. g (1972), The role of theory in use and gratifications studies, in: Communications Reserch, 6: 9-36.

Kohn, Melvin L (1997), Social Structure and Personality Under Conditions of Radical Social change: A Comparative Analysis of Poland and Ukraine, American Sociological Reviw, Vol, 62, pp: 614-638.

Lipset, Seymour Martin, (1976) Political Man, Heinemann Educational Book Ltd, Eighth Published in Great Britain.

Nahapiet, J.,; Ghoshal, S. (1998) "Social capital, intellectual capital and the organizational advantage" , Academy of Management Review , vol23 No(2),. Pp242-266.

Putnam, R. (2000). Bowling Alon: the Collapse and Revival of American Community simon and Schuster: New York

Verba, S. and Nie, N. (1972). Participation in America: Political Democracy and Social Equality. New York: Harper and Row.

نحوه ارجاع به مقاله:

محمدزاده راوندی، مهدی؛ مهکویی، حجت؛ نیازی، محسن؛ صابری، حمید (۱۴۰۱) مطالعه تطبیقی الگوی فضایی مشارکت سیاسی شهروندان کاشان و آران و بیدگل، جغرافیا و مطالعات محیطی ۱۱ (۴۳)، ۵۷-۴۲.
Dor: 20.1001.1.20087845.1401.11.43.3.4

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Journal of Geography and Environmental Studies. This is an open – access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.

